

# بازاندیشی در الگوی آموزشی مبتنی بر مدل یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup>

دکتر هاشم فردانش<sup>۲</sup>

مرضیه موحدی محصل طوسی<sup>۳</sup>

## چکیده

بخش بزرگی از یادگیریهای انسان از راه مشاهده رفتار و اعمال دیگران آموخته می‌شود. با وجود آنکه این باور قدمتی بس تاریخی دارد، لیکن مهمترین نظریه یادگیری موجود که بر این مهم دلالت دارد نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا می‌باشد. وی بر اساس نظریه خود، الگویی برای یادگیری مشاهده ای ارائه داده است. صاحب نظران متعددی به بررسی و تحلیل پیگیری این نظریه مبادرت نموده‌اند، لیکن به نظر می‌رسد قابلیت‌های بالقوه موجود در این نظریه به حد مطلوب شکوفا نگردیده است و تلاش جدی جهت الگوپردازی کاملتر پیرامون این نظریه و شرح و بسط آن، دست کم در حد مطالعات نگارنده اثر، به چشم نمی‌خورد. در این راستا ذیل این گفتار، نگارنده در پی آنست که ضمن مروری بر دیدگاهها و مفاهیم کلیدی این نظریه، تلاش هر چند ناچیزی در جهت بسط الگو یادگیری مشاهده‌ای مطرح شده توسط بندورا ارائه دهد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مشاهده ای، یادگیری اجتماعی، نظریه بندورا، مدل (الگوی) بندورا

<sup>۱</sup> - Social learning theory

<sup>۲</sup> - عضو هیئت علمی گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس، پست الکترونیک: [m.movahhedi@yahoo.com](mailto:m.movahhedi@yahoo.com)

## مقدمه

یادگیری مشاهده‌ای یا اجتماعی در درجه اول بر پایه آثار آلبرت بندورا می‌باشد. نظریه شناختی - اجتماعی او که در ادبیات رشته با عنوان یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی هم از آن یاد شده، عنوان می‌کند که انسان با مشاهده رفتارها، دیدگاه و نتایج کارهای یک سرمشق یا الگو از آن مطالبی را یاد می‌گیرد. شواهد موجود نیز چنین یادگیری‌هایی را تأیید می‌کند (پروین و جان، ۱۹۹۷). بدین ترتیب یادگیری از راه مشاهده اعمال دیگران و اتفاقاتی که برایشان می‌افتد، رخ می‌دهد و در این نوع یادگیری تجربه مستقیم ضرورت ندارد.

بر مبنای این نظریه الگو یا سرمشق، تنها به انسانها محدود نمی‌شود و هر گونه محرکی از جمله یک اتاق تزئین شده، یک نقشه راهها، یک دستورالعمل یا یک کتابچه راهنما را می‌تواند شامل شود (ویلسون و الری، ۱۹۸۰). همچنین الگوبرداری یا سرمشق‌گیری به فرآیندی گفته می‌شود که بواسطه آن فرد در نتیجه مشاهده رفتار یک الگو یا سرمشق بدون دیدن، شنیدن یا حتی خواندن درباره آن تغییر می‌کند (همان منبع).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که منظور از یادگیری مشاهده‌ای این نیست که یاد گیرندگان هر چه را که می‌بینند، یاد خواهند گرفت. بلکه این نوع یادگیری متضمن فرایندها و شرایط خاصی است که در ادامه و قسمتهای بعدی این گفتار بدان خواهیم پرداخت. لیکن ابتدا و پیش از ورود و تدقیق در نظریه یادگیری اجتماعی جهت آشنایی با روند تاریخی نظریه یادگیری اجتماعی، مروری اجمالی به این مبحث خواهیم داشت.

این باور که انسان‌ها از راه مشاهده انسان‌های دیگری می‌آموزند، به یونان باستان، و افلاطون و ارسطو باز می‌گردد. برای آنان آموزش و پرورش، تا حد زیادی، عبارت بود از انتخاب بهترین سرمشق‌ها<sup>۱</sup> برای شاگردان به این منظور که ویژگی‌های این سرمشق‌ها مورد مشاهده و تقلید<sup>۲</sup> قرار گیرند. بدین ترتیب در طول قرن‌های متوالی، یادگیری مشاهده‌ای<sup>۳</sup> بدیهی انگاشته می‌شد و معمولاً با این فرض که یک تمایل طبیعی در انسانها برای تقلید آنچه در دیگران مشاهده می‌کنند وجود دارد، تبیین می‌شد. مادام که این تبیین فطرت گرایانه غالب بود، هیچ‌گونه کوششی در جهت مطالعه یادگیری مشاهده‌ای و اینکه اصلاً چنین یادگیری اتفاق می‌افتد یا نمی‌افتد صورت

<sup>۱</sup> - Models

<sup>۲</sup> - Imitation

<sup>۳</sup> - Observation learning

نمی‌پذیرفت (هرگنهان والسون، ترجمه سیف، ۱۳۸۴).

ادوارد ثرندایک نخستین کسی بود که سعی کرد تا یادگیری مشاهده‌ای را به طور آزمایشی مطالعه کند. ثرندایک (۱۹۰۱) طی یک سری آزمایشات که در جهت بررسی یادگیری مشاهده‌ای بر روی گربه‌ها (۱۸۹۸) و میمون‌ها (۱۹۰۱) انجام داد چنین نتیجه گرفت که: "در تجارب من با این حیوان‌ها چیزی یافت نشد... که فرضیه وجود یک توانایی کلی در حیوان‌ها برای تقلید از اعمال حیوان‌های دیگر را تأیید کند" (ثرندایک، ۱۹۰۱، ص ۴۲).

در سال ۱۹۰۸ جی.بی. واتسون، پژوهش‌های ثرندایک را تکرار کرد و او هم هیچگونه گواهی برای یادگیری مشاهده‌ای نیافت. در نتیجه ثرندایک و واتسون به این باور رسیدند که یادگیری در نتیجه تعامل شخص یادگیرنده با محیط انجام می‌شود، نه بر اثر مشاهده تعامل فرد دیگری با محیط خودش.

کار ثرندایک و واتسون، پژوهشگران دیگر را در انجام پژوهش درباره یادگیری مشاهده‌ای دلسرد کرد و علاقه به یادگیری تقلیدی را برای بیش از سه دهه واپس زد. اما با انتشار کتاب میلر و دلارد (۱۹۴۱) با عنوان یادگیری اجتماعی و تقلید، علاقه به یادگیری مشاهده‌ای مجدداً برانگیخته شد. تبیین میلر و دلارد از یادگیری مشاهده‌ای به صورت مورد خاصی از شرطی شدن وسیله‌ای بود. بنابر اعتقاد آنان چنانچه رفتار تقلیدی تقویت شود، مانند هر یادگیری دیگری نیرومند می‌گردد. لذا یادگیری تقلیدی صرفاً مورد خاصی از شرطی سازی وسیله‌ای<sup>۱</sup> است.

از سال ۱۹۶۰ موضوع یادگیری تقلیدی مجدداً مورد توجه قرار گرفت. در این زمان بود که آلبرت بندورا، تبیین‌های پیشین از تقلید آموزی را مورد چالش قرار داد و شروع به تدوین نظریه خود کرد. نظریه‌ای که از قالب رفتاری نظریه‌های قبلی فاصله داشت. بندورا یادگیری اجتماعی را عمده‌تأ یک فرایند شناختی معرفی نمود که دارای ویژگی‌های کاملاً خاص آدمیان مانند: زبان، اخلاق، تفکر و خود نظم دهی رفتار، است.

نظریه بندورا از آن جهت شهرت یافته است که بر بی‌همتایی آدمیان تأکید می‌ورزد. در این نظریه انسان بصورتی پویا، پردازش کننده اطلاعات، حل کننده مسائل، و بالاتر از همه ارگانیسمی اجتماعی توصیف شده است. همچنین شناخت‌های ما، از جمله معیارهای عملکرد و قضاوت‌های اخلاقی بر اساس مشاهدات و تعامل‌هایمان با افراد دیگر شکل می‌گیرند. علاوه بر

<sup>۱</sup> - Instrumental conditioning

این، پژوهش‌های بندورا نوعاً منعکس کننده موقعیت‌ها و مسائل زندگی واقعی هستند. آزمودنی‌های او انسان‌های در تعامل با انسان‌های دیگری باشند نه انسان‌هایی که فهرست هجاهای بی‌معنی را حفظ می‌کنند یا موش‌هایی که در مازها می‌دوند یا در جعبه اسکینر اهرم را می‌فشارند.

### معرفی نظریه

از نظر آلبرت بندورا، افراد از طریق مشاهده رفتارها، نگرشها و پیامدهای رفتار دیگران مطالبی را می‌آموزند (اینترنت، ۲۰۰۸). به عبارتی تئوری یادگیری اجتماعی وی بر اهمیت مشاهده و الگوبرداری از رفتار، نگرشها، و عکس‌العملهای عاطفی دیگران تأکید دارد (پاتسولا، ۱۹۹۹). به اعتقاد بندورا بخش وسیعی از یادگیریهای انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد وی یادگیری مشاهده‌ای را مهمترین عامل رشد و یادگیری می‌داند (کدیور، ۱۳۸۲).

نظریه بندورا به نظریه یادگیری اجتماعی یا به عبارت دقیق تر نظریه شناختی اجتماعی<sup>۱</sup> شهرت یافته است. علت نامگذاری این نظریه به نظریه یادگیری اجتماعی این است که در آن بر بافت اجتماعی که در آن رفتار آموخته و نگهداری می‌شود تأکید شده است (سیف، ۱۳۸۵).

بندورا فرایندهای شناختی را در تعیین رفتار آدمی بسیار مهم می‌داند. این نظریه حد واسطه بین نظریه‌های رفتاری و شناختی است (کیتاشن، ۲۰۰۴). بدین ترتیب بندورا در توجیه رفتار آدمیان، هم به عوامل پیش‌آیندی و پس‌آیندی محیطی اهمیت می‌دهد و هم به فرایندهای شناختی ارگانیسمی.

بندورا معتقد است که پاره‌ای از یادگیریهای انسان از راه شرطی سازی پاسخگر و برخی دیگر از راه شرطی شدن کنشگر آموخته می‌شوند، اما او می‌گوید این تمامی ماجرا نیست بلکه مقدار زیادی از یادگیریهای ما از راه مشاهده رفتار دیگران آموخته می‌شوند. در نظریه او، فرایندهای واسطه‌ای شناختی مورد تأکید قرار دارند و چنین فرض می‌شود که تأثیر رویدادهای محیطی بر اکتساب و نظم بخشیدن به رفتار عمدتاً به وسیله این فرایندها تعیین می‌شوند.

<sup>۱</sup> - Social cognitive theory

### مدل یادگیری مشاهده‌ای بندورا

مدل یادگیری مشاهده‌ای بندورا از چهار مرحله تشکیل یافته است: «۱) مرحله توجه<sup>۱</sup>؛ ۲) مرحله به خاطر سپاری<sup>۲</sup>؛ ۳) مرحله بازتولید حرکتی<sup>۳</sup>؛ ۴) مرحله انگیزشی<sup>۴</sup>». وی مراحل مدل یادگیری خود را به شکل زیر (شکل ۱) ارائه می دهد.

مرحله توجه	مرحله به خاطر سپاری	مرحله باز تولید حرکتی	مرحله انگیزشی
وقایع مورد مشاهده	رمز گردانی نمادی	بازنمایی شناختی	مشوق های بیرونی
برجستگی یا قابلیت	سازمان شناختی	مشاهده اجرای	حسی عینی یا ملموس
تشخیص	مرور شناختی	عمل	اجتماعی
بار عاطفی یا	مرور عملی	اطلاعات بازخوردی	کنترلی
جذابیت	ویژگیهای	چور کردن مفهومی	مشوق های جانشینی
عمومیت	مشاهده گر:	ویژگی های	مشوق های شخصی
ارزش کارکردی	مهارتهای شناختی	مشاهده گر:	ویژگیهای مشاهده گر:
ویژگیهای	ساخت های	استعداد	رجحان مشوق ها
مشاهده گر:	شناختی	جسمی خرده	سوگیریهای مقایسه ای
استعداد ادراکی		مهارت ها	اجتماعی
استعداد شناختی			معیارهای درونی
سطح برانگیختگی			
رجحانهای اکتسابی			

مدل های رفتاری مطابق با وقایع مشاهده شده

شکل ۱) مدل یادگیری مشاهده‌ای (از بندورا ۱۹۸۶ ص ۶۳)

**مرحله توجه:** ابتدا یادگیرنده باید به رفتار الگو یا سرمشق یعنی کسی که قرار است از او بیاموزد توجه کند طبق این مدل، اگر یادگیرنده به رفتار سرمشق توجه نکند از او چیزی نخواهد آموخت. چندین ویژگی سرمشق می تواند بر جلب توجه یادگیرنده مؤثر واقع شوند که برخی از آنها از این قرارند: پایگاه اجتماعی سطح بالا، موفقیت زیاد و دانش تخصصی سطح بالا. همچنین ویژگی‌هایی از سرمشق گیرنده (خود یادگیرنده) نیز بر اینکه توجه او به رفتار سرمشق جلب شود

<sup>۱</sup> - Attention

<sup>۲</sup> - Retention

<sup>۳</sup> - Motor reproduction

<sup>۴</sup> - Motivation

موثرند. ویژگیهای چون نیاز به وابستگی، احترام به خود، و تصور یادگیرنده از شایستگی خودش بر احتمال توجه او به رفتار سرمشق می‌افزایند. همچنین ظرفیت حسی شخص و نیز مشوق‌هایی که معلم در ازای توجه یادگیرنده به او می‌دهد عامل مؤثر دیگری است (بندورا، ۱۹۶۹؛ ذکر شده در سیف، ۱۳۸۵).

**مرحله به خاطر سپاری:** در مرحله دوم یادگیری از راه مشاهده یعنی مرحله به خاطر سپاری، آنچه مورد مشاهده و مورد توجه یادگیرنده واقع می‌شود در حافظه او ذخیره می‌گردد. بندورا معتقد است که یادگیری‌های ما به صورت رمزهایی تصویری (تجسمی)<sup>۱</sup> یا رمزهای کلامی<sup>۲</sup> در حافظه ما بازنمایی یا ذخیره می‌شوند.

بندورا در این زمینه عنوان می‌کند: "پس از آنکه فعالیت‌های سرمشق توسط یادگیرنده به صورت تصویرهای ذهنی و رمزهای کلامی قابل استفاده درآمدند، این رمزهای حافظه‌ای به صورت راهنمایی‌هایی برای عملکرد یادگیرنده مورد استفاده قرار خواهند گرفت" (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۲۶).

**مرحله باز تولید حرکتی:** در این مرحله رمزهای کلامی یا تصویری موجود در حافظه یادگیرنده، یا به عبارت دیگر بازنمایی‌های نمادی، به عملکردهای آشکار تبدیل می‌شوند. طی این مرحله یادگیرنده، بر کم و کیف عملکرد خود آشنا می‌شود و از طریق مقایسه آن با رفتار سرمشق، اشکالات عملکرد خود را برطرف می‌سازد.

**مرحله انگیزشی:** در چهارمین و آخرین مرحله از مراحل یادگیری مشاهده‌ای بندورا، آنچه مورد مشاهده یادگیرنده قرار می‌گیرد و در حافظه او بازنمایی می‌شود و از راه بازتولید حرکتی کم و کسر آن برطرف می‌شود، برای اینکه در یک موقعیت واقعی به ظهور برسد، باید با پیامدهای مطلوب همراه باشد. بنابراین برای تبدیل آموخته‌های فرد به اعمال آشکار، شرایط انگیزشی یعنی پاداش و تقویت ضروری هستند. در عین حال بندورا معتقد است تقویت بر عملکرد تأثیر می‌گذارد، ولی برای یادگیری ضروری نیست. او به طور آشکار یادگیری و عملکرد را مستقل از یکدیگر می‌داند. وی می‌گوید: "به دلیل آنکه افراد تمام آنچه را که فرا می‌گیرند به عمل در نمی‌آورند، نظریه یادگیری اجتماعی بین یادگیری و عملکرد تمایز قائل می‌شود" (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۲۸). در نتیجه وی قائل به آنست که یادگیری نیازی به تقویت ندارد و تنها چیزی که برای یادگیری لازم است، مجاورت بین

<sup>۱</sup> - Imaginal

<sup>۲</sup> - Verbal

یادگیرنده و سرمشق است. لیکن برای آنکه آموخته‌های خود را به عمل تبدیل کند نیاز به تقویت دارد.

در نظریه یادگیری بندورا علاوه بر تقویت مستقیم یادگیرنده که نقش انگیزشی ایفا می‌کند، تقویت جانشینی<sup>۱</sup> و تنبیه جانشینی نیز بر بروز آموخته‌های یادگیرنده به صورت عملکرد آشکار تأثیر می‌گذارد. تقویت و تنبیه جانشینی، پیامدهای مثبت و منفی هستند که به دنبال رفتار سرمشق مورد مشاهده یادگیرنده می‌آیند (نه بدنال رفتار خود یادگیرنده) اما بر رفتار یادگیرنده هم تأثیر می‌گذارند. همچنین در نظریه بندورا تقویت نوع سومی وجود دارد که تقویت شخصی<sup>۲</sup> نامیده شده است. بدین معنی که شخص می‌تواند با مقایسه رفتارش با یک ملاک بیرونی و کسب اطمینان از موفقیت‌های خود، به طور ذهنی یا عینی به تقویت رفتار خودش بپردازد. تنبیه شخصی نیز به همین منوال بر رفتار فرد اثر کنترل کننده دارد.

### مفهوم خود نظم‌دهی رفتار

به اعتقاد بندورا اگر اعمال افراد تنها توسط پاداش‌ها و تنبیه‌های بیرونی تعیین می‌شدند، مردم همانند بادبادکی، هر لحظه به این طرف و آن طرف تغییر جهت می‌دادند تا خود را با عوامل خارجی سازگار نمایند (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۱۲۸، ذکر شده در کرسلی ۱۹۹۴). از آنجا که در عالم واقع چنین نیست، این سؤال مطرح می‌شود که اگر عوامل تأثیرگذار بیرونی (پاداش‌ها و تنبیه‌های بیرونی) رفتار را کاملاً کنترل نمی‌کنند پس چه چیزی آن را کنترل می‌کند؟ بندورا در این زمینه معتقد است که رفتار آدمی، عمدتاً رفتاری خود نظم داده شده<sup>۳</sup> است. انسان از تجربه مستقیم و غیر مستقیم، معیارهای عملکرد<sup>۴</sup> را می‌آموزد و پس از آنکه این معیارها آموخته شدند، پایه‌ای برای ارزشیابی شخصی فرد می‌شوند. اگر عملکرد شخص در یک موقعیت معین با معیارهای او هماهنگ یا از آن بالاتر باشد، آن را مثبت ارزیابی می‌کند، اگر پایین تر از معیارها باشد آن را منفی ارزشیابی می‌کند. بندورا تقویت درونی حاصل از خود ارزشیابی را از تقویت بیرونی فراهم آمده توسط دیگران برای کنترل رفتار، بسیار نیرومندتر می‌داند (هرگنهان و السون، ۱۳۸۴، ترجمه سیف).

<sup>۱</sup> - Vicarious

<sup>۲</sup> - Personal

<sup>۳</sup> - Self-regulated behavior

<sup>۴</sup> - Performance standards

### مفهوم کارآمدی شخصی تصویری<sup>۱</sup>

مفهوم کارآمدی شخصی تصویری که به اعتقاد نگارنده بهتر آن است "تصور از کارآمدی خود" در ترجمه واژه لاتین perceived self – efficacy جایگزین آن شود، یکی از مفاهیم عمده نظریه یادگیری اجتماعی بندورا است که نقش مهمی در رفتار خود نظم دهی ایفا می‌کند. این مفهوم به باورهای شخص در ارتباط با توانایی‌اش در انجام امور دلالت می‌کند و از منابع مختلف از جمله توقیف‌ها و شکستهای خود فرد، مشاهده موفقیت یا شکست دیگرانی که به او شبیه هستند، و ترغیب کلامی سرچشمه می‌گیرد" (هرگنهان و السون، ۱۳۸۴، ترجمه سیف، ص ۳۷۰). کارآمدی شخصی تصویری یا به تعبیر نگارنده، تصور از کارآمدی خود، به برآورد شخصی فرد از اینکه توانایی مقابله موفقیت آمیز با یک موقعیت چالش برانگیز را دارد یا نه اشاره دارد. درک فرد از کارآمدی خود، نه تنها بر الگوهای شناختی، بلکه بر انگیزش و برانگیختگی هیجانی او نیز تأثیر می‌گذارد.

مشاهده یک الگو همسان که تکلیفی را به خوبی و با موفقیت انجام می‌دهد می‌تواند احساس کارآمدی را در مشاهده گر افزایش دهد. مثلاً اگر دانش‌آموزی با پیشرفت پایین، دانش همسطح خودش را مشاهده شناختی کند که مسئله ریاضی را با موفقیت پای تخته حل می‌کند، او نیز به این اعتقاد میرسد که می‌تواند آن مساله را یاد بگیرد.

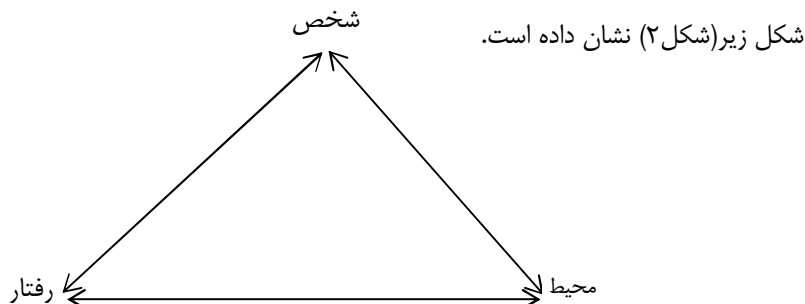
### مفهوم تعیین گری متقابل

غالباً پاسخ سنتی به این سؤال که علت رفتار فرد چیست؟ حول این است که رفتار تابعی از محیط یا ذات و یا آزادی و اختیار انسان است. بندورا به این سؤال طور دیگری پاسخ می‌دهد. وی معتقد است شخص، محیط و رفتار فرد با هم به طور تعاملی عمل می‌کنند تا رفتار بعدی شخص را تعیین نمایند (اینترنت، ۲۰۰۸).

در نظریه یادگیری اجتماعی، بندورا، دیدگاه یک بعدی تأثیرگذاری محیط بر رفتار فرد را رد و به جای آن نظریه تعیین گری دو جانبه را مطرح می‌نماید. در این دیدگاه همانقدر که شرایط محیطی، انسان را شکل می‌دهد، انسان نیز موقعیت‌ها را انتخاب می‌کند، بر دیگران تأثیر می‌گذارد و از دیگران تأثیر می‌پذیرد (کدیور، ۱۳۸۲). بندورا رابطه متقابل میان سه عامل رفتار، فرایندهای شناختی و تأثیرات اجتماعی را در کتاب خود با عنوان بنیادهای اجتماعی تفکر و عمل (۱۹۸۶) به

<sup>۱</sup> - Perceived self-efficacy

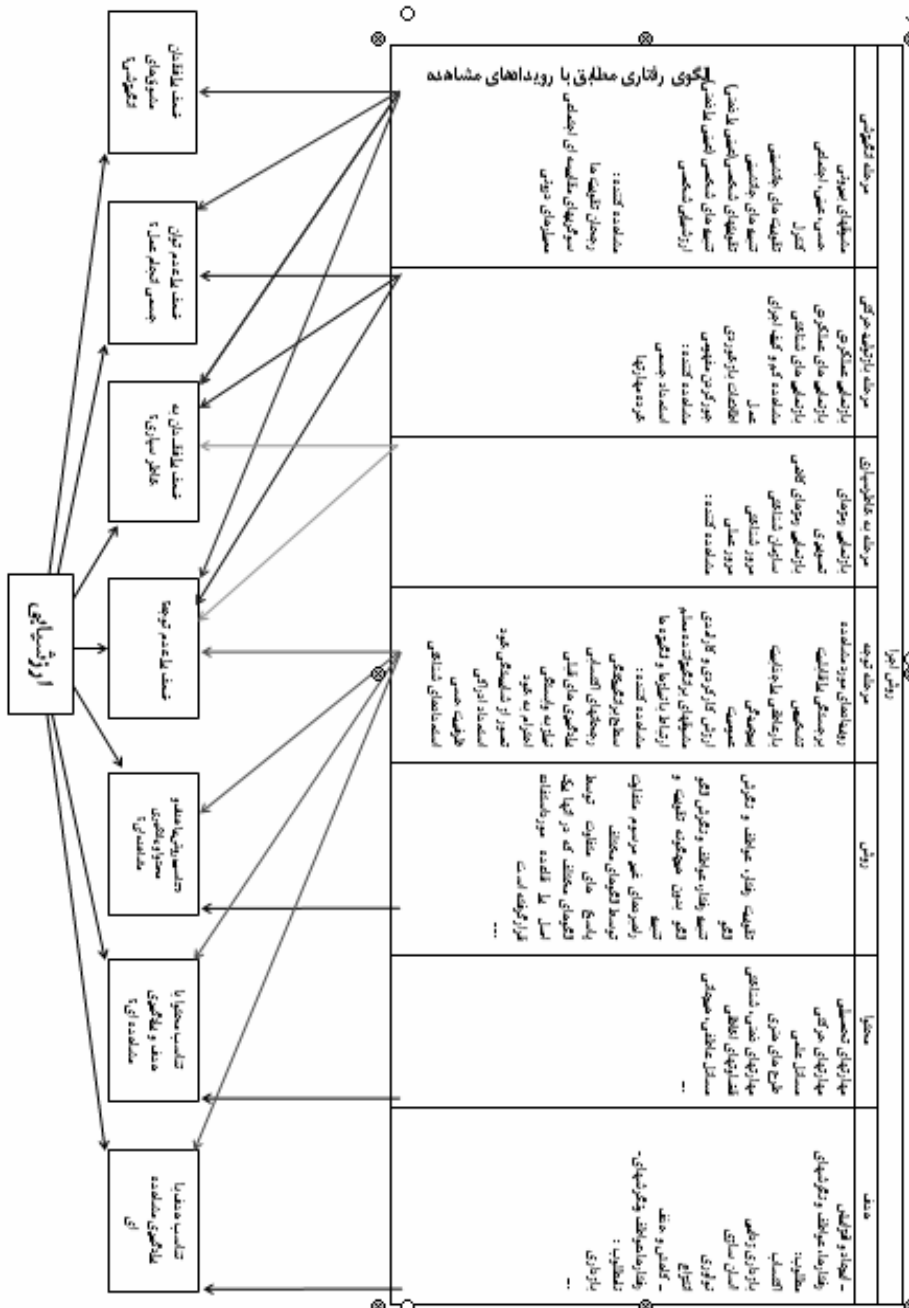




شکل ۲) روابط متقابل میان عوامل سه گانه رفتار، فرایندهای شناختی و محیط (از بندورا، ۱۹۸۶، ص ۲۴) در نتیجه همانگونه که در شکل بالا قابل ملاحظه است نظریه یادگیری اجتماعی قائل به آن است که، هم متغیرهای محیطی، هم متغیرهای واسطه‌ای شناختی و هم متغیرهای رفتاری پیشین بر رفتار بعدی فرد متأثرند. بدین منوال شخص هم عامل ایجاد تغییر در محیط است و هم تغییر پذیرنده از محیط.

### ارائه الگوی آموزش مبتنی بر مدل یادگیری اجتماعی بندورا

بدلیل آنکه آموزش یک عمل مبتنی بر شرایط، امکانات و اقتضائات زمانی و مکانی و انسانی است، نمی‌توان صرفاً با استفاده از یک رویکرد یا الگوی خاص به یک نسخه آموزشی برای انواع موقعیت‌ها دست یافت (فردانش، ۱۳۸۳). بدین جهت باید به مقتضای موقعیت از الگوها و رویکردهای متفاوتی در آموزش بهره گرفت. اگر قرار بود انسانها تنها با رویکرد کوشش و خطا بیاموزند، امکان بقای آنها بسیار ضعیف می‌شد چرا که ممکن است در جریان برخی یادگیریها، اشتباهات، پیامدهای خطرناک و سنگینی داشته باشند. هر چه اشتباهات احتمالی خطرناکتر و سنگین تر باشند، یادگیری بیشتر باید بر پایه مشاهده نمونه‌ها و سرمشق‌های کارآمد مبتنی باشد (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۱۲).



صاحب‌نظران متعددی (گل‌اور و برونینگ، ۱۳۸۱) در راستای تأکید بر کاربرد نظریه یادگیری اجتماعی در تدریس و آموزش دستورالعمل‌هایی را مطرح نموده‌اند. با عنایت به چنین کاربردهایی از یادگیری مشاهده‌ای، بندورا در کتاب خود، بنیادهای اجتماعی تفکر و عمل (۱۹۸۶) مبادرت به طرح مدل یادگیری مشاهده‌ای می‌نماید. لیکن با نظری به شرح این مدل یادگیری که در بخش‌های قبلی این گفتار به آن پرداختیم، جای خالی و فقدان برخی از عناصر مهم مطرح در آموزش همانند هدفها، محتوا، روشها و ارزشیابی، در این مدل ملاحظه می‌گردد. از طرفی آثار متعددی در زمینه یادگیری مشاهده‌ای از دید نگارنده گذشت که از جمله به روزترین آنها می‌توان به هرناند (۲۰۰۸)، بول (۲۰۰۸)، مورو و جفری (۲۰۰۸)، اسنیتن و ونایمبروک (۲۰۰۸)، السون و فلیس (۲۰۰۷)، اشاره نمود. لیکن این آثار غالباً معطوف به بررسی‌های میدانی و آزمایشی یا الگو سازی‌های عملی و ملاحظات از این دست در حوزه یادگیری اجتماعی بوده و ورودی به بررسی پیرامون مدل نظری در این زمینه نداشته‌اند. در این آثار تلاشی در جهت تبیین کاملتر مدل یا تکمیل الگوی یادگیری مشاهده‌ای به چشم نمی‌خورد.

در نتیجه در ادامه همانطور که در شکل (۳) نیز ارائه شده است با افزودن عناصر کلیدی در آموزش یعنی هدفها، محتوا، روشها و ارزشیابی، به مدل یادگیری مشاهده‌ای بندورا، الگوی طراحی آموزش مبتنی بر یادگیری مشاهده‌ای با شرح و بسط بیشتری ارائه می‌شود.

### اجزای الگوی جدید

**هدف:** اولین عنصری که بنظر می‌رسد در بحث طرح مدل یادگیری مشاهده‌ای بندورا جای آن خالی است عنصر تعیین هدف است. مدل یادگیری مشاهده‌ای یا سرمشق‌گیری در راستای چند هدف مختلف قابل اجرا است. از جمله، آموختن یادگیری‌های جدید، افزایش و کاهش و حذف فراوانی یادگیری‌های قبلاً آموخته شده.

اهداف اکتساب<sup>۱</sup>، بازداری زدایی<sup>۲</sup>، انتزاع<sup>۳</sup> و نوآوری<sup>۴</sup> ارائه شده در مدل که در ادامه و بنا به ارتباط، ذیل عنصر روش، به شرح و توصیف آنها خواهیم پرداخت معطوف به ایجاد و آموختن یادگیری‌های جدید می‌باشد.

<sup>۱</sup> - Acquisition

<sup>۲</sup> - Disinhibition

<sup>۳</sup> - Abstraction

<sup>۴</sup> - Creativity

آسان سازی<sup>۱</sup> در جهت افزایش فراوانی یادگیریهای قبلاً آموخته شده می‌باشد. از طرف دیگر هدف بازداری<sup>۲</sup> ناظر به کاهش و حذف فراوانی یادگیری قبلاً آموخته شده است. با توجه به هدفهایی که در الگو اشاره شده (اکتساب ... نوآوری و انتزاع) می‌توان دریافت که مدل یادگیری اجتماعی طیفی از اهداف کاملاً عینی و رفتاری تا اهدافی شناختی و ذهنی انتزاعی را در بر می‌گیرد و تحت پوشش قرار می‌گیرد و فی‌الواقع در بعد اهداف یادگیری نیز پیوند دهنده رویکردهای متعارض رفتاری و شناختی است.

**محتوا:** عنصر کلیدی دیگر در الگوی آموزش، محتوای آموزش است که فقدان اشاره به آن از جامعیت مدل یادگیری بندورا کاسته است. لیکن با وجود آنکه در مدل او اشاره‌ای به آن نشده وی در ارتباط با این زمینه تصریح می‌کند: هر آنچه از راه تجربه مستقیم یادگرفتنی است، از راه تجربه غیر مستقیم یا جانشینی نیز قابل یادگیری است. بدین ترتیب از سرمشق‌گیری می‌توان در آموزش مهارت‌های تحصیلی و حرکتی استفاده نمود (دمبو، ۱۹۹۴). بدین طریق می‌توان مهارت‌هایی مثل حل مسائل ریاضی، طرح‌های هنری و تمرین‌های علوم، توضیح نحوه تفکر منطقی، رفتار مسأله‌گشایی، برانگیختن کنجکاوی، کنترل عاطفی، احترام و علاقه به دیگران، عادت‌های خوب گوش دادن، خوب درک کردن، و قضاوت‌های اخلاقی را از طریق مشاهده‌ای آموزش داد (کدیور، ۱۳۸۲).

**روش:** سومین عنصر موجود در آموزش که در مدل یادگیری بندورا نادیده گرفته شده، الگوی روش می‌باشد که در طرح الگوی اصلاحی ارائه شده است. روش ارائه شده در الگو بدین قرار است که از طریق مشاهده الگوهایی که برای انجام عمل یا دارا بودن عواطف و نگرشهای معینی تقویت می‌شوند، می‌توان، یادگیریهای جدید ایجاد نمود که در نتیجه هدف اکتساف حاصل می‌شود. از سویی وقتی الگوی مورد مشاهده به خاطر انجام یک پاسخ تنبیه می‌شود، انجام این پاسخ در مشاهده کننده بازداری می‌گردد. همچنین مشاهده الگویی که به یک فعالیت نامطلوب برای یادگیرنده مشغول است می‌تواند به کاهش بازداری آن پاسخ در مشاهده کننده بیانجامد. که این حالت همان بازداری زدایی نامیده می‌شود. یک الگو همچنین می‌تواند در مشارکت کننده پاسخی را بوجود آورد که قبلاً آموخته شده است و برای آن هیچ نوع بازداری وجود ندارد. به این پدیده آسان سازی گفته می‌شود. در جهت نیل به آفرینندگی نیز مشاهده کنندگان ممکن است از قبل

<sup>۱</sup> - Facilitation

<sup>۲</sup> - Disinhibition

استراتژی‌ها یا راهبردهایی را دارا باشند که در حل مسائل مؤثرند، اما الگوی مورد مشاهده آنان راهبردهای حل مسئله گستاخانه‌تر و غیر مرسوم تری را آموزش می‌دهند. در نهایت به منظور هدف انتزاع، فرد الگوهایی را مشاهده می‌کند که آنها با بکارگیری یک قاعده یا اصل مشترک، پاسخ‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند. برای مثال، پس از آنکه یک راهبرد حل مسأله از تعدادی تجربه الگوبرداری استخراج شد می‌توان از آن برای حل کردن مسائلی که به تجارب گذشته شبیه نیستند، به طور مؤثر استفاده کرد. بنابراین روش الگوبرداری انتزاعی سه جز دارد: (۱) مشاهده تعداد زیادی موقعیت که در همه آنها یک قاعده یا اصل مشترک است، (۲) استخراج قاعده یا اصل از تجارب متنوع و (۳) استفاده از قاعده یا اصل در موقعیت‌های تازه (هرگنهان و السون ۱۳۸۴، ترجمه سیف).

**فرآیند اجرا:** همانطور که در قسمت معرفی نظریه یادگیری اجتماعی اشاره شد و در مدل یادگیری اجتماعی بندورا نیز مشاهده می‌شود وی چهار مرحله را در فرآیند اجرای یادگیری مشاهده‌ای شناسایی کرده است که به قدر کفایت شرح الزامات هر مرحله در بخش معرفی نظریه، از نظر گذشت. این چهار مرحله به طور خلاصه عبارتند از: (۱) مرحله توجه: ابتدا دانش آموزان باید به چیزهای متعددی از موقعیت سرمشق توجه کنند. (۲) مرحله به خاطر سپاری: در این مرحله دانش‌آموزان باید چیزی را که از مشاهده موقعیت سرمشق گیری آموخته‌اند، نگهداری کرده به خاطر بسپارند. (۳) مرحله بازتولید حرکتی: دانش آموزان به انجام عملی آن چیزی که در موقعیت سرمشق‌گیری مشاهده کرده‌اند، بپردازند. (۴) مرحله انگیزشی: در نهایت دانش آموزان باید برای اجرای رفتار مشاهده شده، برانگیخته شوند و الگوهای آموخته شده را در عمل و در موقعیت واقعی بکار گیرند.

**ارزشیابی:** الگوی یادگیری مشاهده‌ای جدید (اصلاح شده) شامل اهداف یادگیری، محتوا، روش و فرآیند اجرا (شامل توجه، به خاطر سپاری، تواناییهای رفتاری و انگیزش‌ها و مشوق‌ها) است. بنابراین اگر یادگیری مشاهده‌ای رخ نداده باشد، می‌تواند به این دلیل باشد که اهداف تعیین شده موردنظر منطبق با اهداف یادگیری مشاهده‌ای نبوده است. یا روش‌های تعیین شده با اهداف و یا محتوا سازگاری نداشته‌اند. همچنین ممکن است فعالیت‌هایی از سرمشق یا الگو که قرار بوده به آنها توجه شود توسط دانش آموز مورد توجه قرار نگرفته‌اند یا آنها را به خاطر نسپرده است و به عبارتی در به خاطر سپردن، ذخیره یا بازیابی اطلاعات ضعف دارد، یا از لحاظ جسمی توانایی انجام آنها را نداشته است و در نهایت ممکن است مشوق‌های مناسب را برای تبدیل یادگیری به رفتار آشکار در اختیار

نداشته است. همچنین ممکن است در طی فرایند یادگیری، اختلال در هر مرحله یادگیری ریشه در مراحل گذشته داشته باشد. بعنوان مثال ممکن است فقدان به خاطر سپاری ریشه در عدم توجه داشته باشد یا حتی قبل از آن هدفها، محتوا و راهبردها با این نوع یادگیری متناسب نبوده اند. در مورد سایر مراحل نیز به همین منوال. در ریشه‌یابی عدم تحقق یادگیری مشاهده ای و یا نقص در آن، باید یکایک این موارد ارزیابی شود. در این زمینه معلم می‌بایست نقایص مربوط به هر کدام از مراحل مذکور را شناسایی و برطرف کند.

### جمع بندی

یادگیری مشاهده‌ای یکی از مهمترین انواع یادگیریها است. بسیاری از آموخته‌های انسان توسط مشاهده رفتارها، نگرش‌ها و عواطف دیگران و یا موقعیت‌ها و رویدادهای اجتماعی شکل می‌گیرد. سرشناس‌ترین نظریه‌پرداز در این زمینه آلبرت بندورا بوده است که نظریه یادگیری اجتماعی وی در ارتباط با این نوع یادگیری مطرح می‌باشد. وی ذیل نظریه خود مدلی را برای یادگیری مشاهده‌ای ارائه داده است. لیکن بنظر می‌رسد مدل پیشنهادی او محدود به فرایند اجرای این نوع یادگیری است و به عناصر مهم مطرح در بحث آموزش از جمله اهداف محتوا، روشها و ارزشیابی اشاره‌ای نکرده است. در این گفتار الگویی که حاصل شرح و بسط مدل یادگیری مشاهده ای بندورا می‌باشد ارائه شد که دست کم به این عناصر کلیدی و ضروری در الگوپردازی آموزشی، اشاره‌ای دارد.

### منابع

- سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). **تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه‌ها و روش‌ها**. ویرایش ۲. تهران: دوران.
- فردانش، هاشم (۱۳۹۳). **مبانی نظری تکنولوژی آموزشی**. سمت، چاپ هشتم.
- کدیور، پروین (۱۳۸۲). **روانشناسی تربیتی**. سمت، چاپ هفتم.
- گلاور، جان ای، برونیک، راجر اچ (۱۳۸۱). **روانشناسی تربیتی**. اصول و کاربرد آن، ترجمه علینقی (کمال) خرازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۰).
- هرگنهان، بی آر، آلسون، میتو اچ (۱۳۸۴). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری**، ترجمه علی اکبر سیف. تهران: آگاه، چاپ هشتم، (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۱).
- Bandura, A. (1986). **Social foundations of thought and action: A**

**Social cognitive theory.** Englewood Cliffs, NJ: Pent ice – Hall

- Bandura, A. (1997). **Social leavening Theory.** Englewood Cliffs, N.J: Prentice – Hall

- Bull, Richard. (2008). Social learning from public engagement; dreaming the impossible. **Journal of Environmental Planning&Management.** vol.51,

- Citation, Huitt, w. (2004). **Observational (Social) learning: An overview,** Educational psychology interactive – Valdosta. GA: Valdosta state university

- Demo, M.H. (1994). **Applying Educational Psychology.** 5<sup>th</sup> Ed. New York.

- Hernandez, Ramos; Pedro, boker; Geoffery C. (2008). In absentia: designing for social learning. Computer supported cooperative work: **The Journal of collaborative computing.** Feb. vol. 17. issue1: p87 - 90.

- Available at: [www.Learning-theories.Com/social-learning-theory-bandore.html](http://www.Learning-theories.Com/social-learning-theory-bandore.html), June 10th, 2008

- Issue 5. P701-716, lgp

- Kearsley, G (1994). **Social learning theory** (A. Bandora) [online] Available at: [www.gwu.Edu/~tip/bandura.Html](http://www.gwu.Edu/~tip/bandura.Html) [December1, 1999]

- Liebert, M. R. and M. P. Spiegler (1990). **Personality, Strategies and Issurs.** 6th (Ed) , Books/ Cole Publishing

- Miller, N. E & Dollard, J.C. (1941). **Social learning and imitation.** New Haven. CT: Yale University Press.

- Muro, M; Jeffrey, P (2008). A critical review of the theory and application of social learning in participatory natural resource management processes. **Journal of Environmental planning & Management.** May. vol. 51. Issue3: p 325-344.

- Olsson, Andreas; Phelps, Elizabeth A. (2007). Social learning of fear. **Neuroscience.** volume10, N9. September.

- Patsula, peter J. (1999). **Applying learning theories to online**

**instructional Design.** Sookmyung Women's University. Seoul.

- Pervin, L.A. and P.O John (1997). **Personality: Theory and Research.** 7th Ed. New York: John Wiley and Sons
- **Planning & Management**, May, vol.51, Issue3
- Snethen, Gretchen; Van puymbroeck, Marieke. (2008). Girls and physical aggression: Causes, trend, and intervention guided by social learning. **Aggression & violent Behavior.** Oct, vol.13, Issue5: P46-354.
- Thorndike, E. L. (1898). Animal intelligence: An experimental study of the associative in animals. **Psychological Review** [Monograph Suppl] 2, No. 81.
- Thorndike, E.L. (1901). The mental life of the monkeys. **Psychological Review Monograph.** 3 (15).
- Watson, J.B (1908). Imitation in monkeys. **Psychological Bulletin.** 5. 169 – 178
- Wilson, G.T, & Learvy, K.D. (1980). **Principles of behavior therapy.** Englewood Cliffs. New Jersey: Prentice – Hall.